دوشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۲
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

گزارش جدید سی‌ان‌ان در مورد سرنوشت ارتش رژیم صهیونیستی در لبنان، جزئیات جالب توجهی دارد

دم خروس صهیونیست‌ها از سی‌ان‌ان بیرون زد

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

آخرین جنگ اسرائیلی‌ها علیه حزب‌الله لبنان با کشته شدن ۱۷۰ اسرائیلی، بعد از ۳۳ روز به پایان رسید و اسرائیل مجبور به پذیرش آتش‌بس شد. بعد از تقریبا دو دهه از پایان جنگ ۳۳ روزه، اسرائیلی‌ها در حالی حمله زمینی خود را به لبنان شروع کرده‌اند که در تمام این سال‌ها برای این روزها خودشان را آماده می‌کردند؛ اما به نظر می‌رسد، تجربه تلخ شکست یا همان بن‌بست در ۲۰۰۶ بازهم در حال تکرار است. برخلاف بازنمایی رسانه‌ای صهیونیست‌ها از پیروزی‌هایشان در حمله به لبنان، اما واقعیت میدان نشان می‌دهد، باوجود ضربه صهیونیست‌ها به فرماندهان رده‌بالای حزب‌الله، نیروهای اسرائیلی در جنوب لبنان گیر کرده‌اند و فعلا خبری از پیروزی نیست. باوجود تلاش‌های رژیم برای پنهان کردن سرنوشت ارتش رژیم در میدان اما سی‌ان‌ان در گزارش اخیر خود جزئیات جالب توجهی از وضعیت ارتش رژیم در حمله زمینی به لبنان منتشر کرده که برساخت رسانه‌ای صهیونیست‌ها از حمله زمینی به لبنان را در هم می‌ریزد.

گسترده شدن یک جنگ خونین در لبنان

«هر اقدام نظامی آن‌سوی مرزها چه از نظر مدت زمانی و چه از نظر جغرافیایی، محدود خواهد بود.» این اظهارنظری بود که فرماندهان رژیم صهیونیستی بعد از شروع عملیات زمینی علیه لبنان آن را مطرح کردند. صهیونیست‌ها در روزهای ابتدایی شروع حمله علیه لبنان ادعا می‌کردند «تنها برای اطمینان از تخریب زیرساخت‌های حزب‌الله» حمله زمینی به لبنان را آغاز کردند. اما آنچه از اعزام نیروها به مرزهای درگیر در جنوب لبنان منتشر می‌شود، چیز دیگری را نشان می‌دهد. بر مبنای آنچه ارتش رژیم منتشر کرده، «واحدهایی از چهار لشکر در جنوب لبنان در حال نبردند.» اگرچه صهیونیست‌ها آمار دقیقی از نیروهای خود منتشر نکردند اما سی‌ان‌ان در گزارش خود به این موضوع اشاره و اعلام کرد: «گمان می‌رود هر لشکر، متشکل از ۱۰ هزار تا ۲۰ هزار سرباز باشد.» آماری که نشان می‌دهد برخلاف ادعای صهیونیست‌ها، آنها آماده ادامه یک جنگ بزرگ‌ترند. سی‌ان‌ان در مورد ادعای صهیونیست‌ها براین‌اساس که تنها هدف آنها ضربه به زیرساخت‌های حزب‌الله است، نیز نوشت: «این زیرساخت‌ها، در چند صد متر یا حتی چند کیلومتر متوقف نمی‌شوند، بلکه تا بیروت، شمال لبنان و دره بقاع امتداد دارد. اگر اسرائیل واقعا بخواهد آن منطقه را پاک‌سازی کند، ما یک عملیات طولانی‌مدت خواهیم داشت.» علاوه بر این اسرائیل دستور تخلیه یک چهارم خاک لبنان را مطرح کرده و بر مبنای گزارش سازمان ملل بیشتر از ۱٫۲ میلیون نفر از ساکنان لبنان آواره شدند. همه این موارد نشان می‌دهد اسرائیل به دنبال یک جنگ گسترده در لبنان است اما شاید علت اصلی مطرح‌شدن اظهارات دروغ درباره این حمله این بود که صهیونیست‌ها از فشارهای مجامع بین‌المللی به آنها در امان بمانند.

اسرائیل ارتش برتر را دارد البته روی کاغذ

«بر «روی کاغذ» ارتش اسرائیل بسیار برتر از نیروهای حزب‌الله است.» این جمله‌ای است که سی‌ان‌ان در گزارش خود از قابلیت‌های نظامی رژیم صهیونیستی بیان می‌کند. این رسانه به این موضوع هم اشاره می‌کند که ارتش رژیم، سلاح‌های پیشرفته و پیچیده‌تری دارد. صهیونیست‌ها اما یک نکته اساسی را در حمله زمینی به لبنان در نظر نگرفته بودند: «این مزیت‌ها در جنگی که در تپه‌های جنوب لبنان در جریان است، جایی که تسلیحات اهمیت کمتری دارد؛ چندان کاربرد ندارند.» صهیونیست‌ها اشتباه تاکتیکی را در حمله زمینی به لبنان مرتکب شدند و به نظر می‌رسد آنها در حملات خود موقعیت کوهستانی در لبنان را چندان جدی نگرفته بودند، امری که این گزاره را پررنگ می‌کرد که «اسرائیل در زمینی می‌جنگد که حزب‌الله آن را خیلی بهتر می‌شناسد.» همین امر هم نشان می‌دهد، برخلاف پیروزنمایی‌هایی که از واقعیت جنگ در نبرد زمینی به لبنان مطرح می‌شود، اما به نظر می‌رسد آنها قرار است تا بازهم وارد یک جنگ فرسایشی شوند. واقع امر این است که صهیونیست‌ها با انفجار پیجرها و مجروح کردن نیروهای حزب‌الله، حذف فرماندهان رده‌بالای حزب‌الله مثل فؤاد الشکر، ابراهیم عقیل، علی کرکی و رهبر حزب‌الله لبنان شهید سیدحسن نصرالله، تصور کردند ضربه‌های کاری به حزب‌الله لبنان زدند و حالا با تشدید حملات علیه لبنان و شروع حمله زمینی به جنوب این کشور می‌توانند به‌راحتی پیروز میدان مبارزه شوند؛ اما آنچه از آغاز حمله رژیم به لبنان رخ‌داده، واقعیت دیگری را نشان می‌دهد. صهیونیست‌ها تقریبا هر روز بیروت را هدف حمله قرار می‌دهند، از آن طرف نیز بیشتر از ۶۰ هزار نیروی رژیم در مرز لبنان با حزب‌الله درگیرند اما «قدرتمندترین ارتش خاورمیانه» هنوز نتوانسته موفقیت قابل‌توجهی در مرز لبنان به دست بیاورد، آن هم درحالی‌که شدت حملات حزب‌الله به سرزمین‌های اشغالی بیشتر شده است. حزب‌الله لبنان در این مدت بیشتر از صد موشک به سرزمین‌های اشغالی شلیک کرده است، برای مثال روز گذشته حزب‌الله به شهرک صهیونیست‌نشین کریات شمونه حمله کرد. همچنین پایگاه نظامی تسوریت را هدف حمله قرار داد. این موارد نشان می‌دهد، باوجود گسترده شدن شدت حملات رژیم به لبنان، آنها هنوز در درگیری نظامی در مرزهای لبنان با حزب‌الله گیر کرده‌اند.

تکرار شکست ۲۰۰۶؟

صهیونیست‌ها بعد از شکستی که در جنگ ۳۳ روزه لبنان خوردند. در طول این دو دهه خود را برای نبرد دوباره با حزب‌الله آماده کرده بودند. سی‌ان‌ان در گزارشش به این موضوع اشاره کرد و نوشت: «اسرائیل تقریبا دو دهه سرمایه‌گذاری کرد تا خود را برای آنچه در چند هفته گذشته دیده‌ایم، آماده کند.» اسرائیلی‌ها در جنگ ۳۳ روزه، حمله زمینی خود به لبنان را آغاز کردند. حزب‌الله لبنان در مقابله با اسرائیل شریان‌های حیاتی رژیم را بست و نفتکش‌های صهیونیست‌ها را در دریا هدف قرار داد. از طرفی حمله زمینی صهیونیست‌ها به جنوب لبنان در حالی اتفاق افتاد که آنها موقعیت جغرافیایی جنوب لبنان را در محاسبات خود لحاظ نکردند. امری که موجب شد، جنگ برای صهیونیست‌ها فرسایشی و البته خسارت‌بار شود و ارتش رژیم مجبور شد آتش‌بس را بپذیرد و جنوب لبنان را ترک کند. در این نبرد ۳۳ روزه، ۳ هزار و ۷۹۰ راکت و موشک از جانب حزب‌الله به سرزمین‌های اشغالی اصابت کرد. صهیونیست‌ها ۱ میلیون و ۴۰۰ دلار خسارت متحمل شدند و نزدیک به ۱ میلیارد و ۱۱۴ میلیون خسارت به صنعت گردشگری رژیم وارد شد. حالا با گذشت ۱۸ سال از شکست صهیونیست‌ها در مبارزه با حزب‌الله، باوجود تجربه صهیونیست‌ها در جنگ ۳۳ روزه اما به نظر می‌رسد، آنها در حال تکرار اشتباه‌های گذشته در حمله زمینی به لبنانند. سی‌ان‌ان در گزارش خود به این موضوع اشاره کرد که «حزب‌الله مصمم است تا تلفات بیشتری از رژیم بگیرد.» این رسانه در ادامه به این موضوع اشاره کرد که «نیروهای حزب‌الله یک بازی دفاعی انجام می‌دهند. مهم نیست، چند نفر از آنها را بکشید. بازهم طرف ضعیف‌تر درنهایت با تحمیل انباشت مداوم هزینه‌ها برنده می‌شود.» این رسانه صراحتا سیاست و دست برتر حزب‌الله در مقابل رژیم را بیان می‌کند. حزب‌الله در حال تکرار سیاستی است که در ۲۰۰۶ انجام داد. حزب‌الله در این جنگ با فرسایشی کردن جنگ و وارد کردن خسارت توانست ارتش رژیم را در جنگ به بن‌بست بکشاند، اتفاقی که حالا و باوجود ضربه اسرائیل به فرماندهان کلیدی حزب‌الله در حال تکرار است و اسرائیل علی‌رغم ادعاهایی که در رسانه‌ها مطرح می‌کند، بازهم در دام حزب‌الله افتاده است.

دردسر نارضایتی افکار عمومی سرزمین‌های اشغالی

صهیونیست‌ها در این حمله زمینی همچنان با یک مشکل اصلی مواجه‌اند و آن هم افکار عمومی سرزمین‌های اشغالی است. این موضوع بارها مورد اشاره قرار گرفته که برای نتانیاهو جنگ غزه تا حد زیادی با حیات سیاسی او پیوند خورده است. نتانیاهو برای جلوگیری از پایان حیات سیاسی‌اش حاضر شد تا به جای پذیرش آتش‌بس، جنگ را گسترده‌تر کند. اتفاقی که برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی چندان مطلوب نیست. هراس آنها از گسترده و طولانی‌تر شدن جنگ در لبنان و افزایش آن، دردسر تازه‌ای برای رژیم به همراه خواهد داشت. بلندشدن چندباره آژیرهای قرمز در سرزمین‌های اشغالی و زیست در پناهگاه‌ها اوضاع را برای ساکنان سرزمین‌های اشغالی دشوار کرده است. بسیاری از ساکنان بخش شمالی سرزمین‌های اشغالی معتقدند، حمله زمینی به لبنان تصمیم عاقلانه‌ای نبود. شاید به همین خاطر بود که صهیونیست‌ها ادعا کردند حمله زمینی به لبنان در «اهداف محدود» و در «منطقه‌ای محدود» صورت خواهد گرفت. موضوع دیگری که به عمق این نارضایتی‌ها اضافه می‌کند این است که برای اکثر ساکنان سرزمین‌های اشغالی اعم از مرد و زن، سربازی اجباری است و آنها باید در این جنگ‌ها حضور پیدا کنند. اگر تحمل آژیرهای خطر و زندگی در پناهگاه‌ها قابل‌تحمل باشد، دیگر حضور مستقیم در میدان جنگ و اجبار به حضور در جنگ چیزی است که می‌تواند، فشار افکار عمومی به دولت نتانیاهو را بیشتر کند.

سانسور رژیم در مورد تلفات جنگ

اسرائیل از زمان شروع حمله زمینی به لبنان آمار دقیقی از میزان تلفات، زخمی‌ها و کشته‌شده‌های خود ارائه نکرده است. تنها بیان کرده تا الان ۱۵ سرباز اسرائیلی در لبنان کشته شده‌اند. سی‌ان‌ان در بخشی از گزارش خود به نقل از رئیس بیمارستان زیو، در شمال اسرائیل نوشت: «شمال اسرائیل در آماده‌باش کامل قرار دارد. از کارکنان خواسته شده که در صورت نیاز اهدای خون را مورد توجه قرار دهند.» رئیس این بیمارستان به این موضوع اشاره کرد که در یک سال گذشته آنها در شرایط جنگی قرار داشتند؛ اما با شروع نبرد زمینی به لبنان همه نیروها در حالت آماده‌باشند. این صحبت‌های رئیس بیمارستان تنها در منطقه‌ای نزدیک درگیری مرزی اسرائیل با لبنان نشان می‌دهد، اوضاع برای صهیونیست‌ها بسیار بدتر از آن چیزی است که در رسانه‌ها اعلام می‌کنند، باوجود تلاش‌های رژیم برای سانسور تلفات در میدان اما اظهارات رئیس بیمارستان زیو به سی‌ان‌ان نشان می‌دهد، شدت زخمی‌ها در درگیری مرزی آنقدر زیاد است که حتی ممکن است برای اهدای خون هم با بحران مواجه شوند.

گزارش سی‌ان‌ان مقابل دروغ سیستماتیک رژیم

«حمله نظامی به لبنان تصمیم عاقلانه‌ای نبود» این چیزی است که سی‌ان‌ان در گزارش اخیر خود در مورد سرنوشت ارتش رژیم در لبنان بیان می‌کند. این رسانه برای اثبات این گزاره که تصمیم رژیم برای حمله زمینی به لبنان اشتباه بود، واقعیت‌هایی را از میدان جنگ بیان می‌کند، اظهاراتی که نشان می‌دهد برخلاف فضاسازی رسانه‌ای صهیونیست‌ها، آنها بار دیگر وارد یک جنگ فرسایشی شدند که برای آنها دردسر تازه‌ای به همراه خواهد داشت. متوقف ماندن رژیم در مبارزه با حزب‌الله باوجود ضربه فرماندهان رده‌بالای آن این گزاره را تقویت می‌کند که صهیونیست‌ها تا اینجا نیز شکست سختی خورده‌اند. نکته جالب‌توجه اما انتشار این جزئیات توسط رسانه آمریکایی سی‌ان‌ان است. به نظر می‌رسد انتشار این گزارش برای به راه‌انداختن یک جنگ روانی علیه رژیم است. امری که احتمال افزایش فشارهای بین‌المللی علیه رژیم را تقویت می‌کند و در نقطه مقابل، فضاسازی رسانه‌ای رژیم را از هم می‌پاشد و آن را در موضع ضعف قرار می‌دهد، مواردی که به نظر می‌رسد در راستای تلاش برای افزایش فشار به رژیم برای پذیرش آتش‌بس و عقب‌نشینی از حمله زمینی به لبنان، آن هم از جانب یک رسانه آمریکایی صورت‌گرفته است.

پس از حادثه تلخ آسیب‌دیدن محیط‌بان اصفهانی، کارشناسان به «فرهیختگان» پیشنهاد می‌دهند

راه حل صیانت از جان محیط‌بان‌ها

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

تمام آنچه از محیط‌بانی و جنگلبانی می‌دانیم، این است که این شغل برای افراد شاغل در آن امنیت کمی دارد. نهایت تصویر ما از سختی محیط‌بانی یا جنگلبانی، خاطره‌ای طنز از سریال «پایتخت» و تیر خوردن کاراکتر این سریال است. شرایط دشوار شغل محیط‌بانی و جنگلبانی اما در میان محیط‌زیستی‌ها نقلی قدیمی و نقدی جدی است. مقابله با شکارچیان، در تعریف و تشریح کلان مسئله، بررسی ابعاد مقابله برای حفاظت از محیط‌زیست و حیات‌وحش چندسالی است که از جدی‌ترین چالش‌های شغل محیط‌بانی و جنگلبانی است. در بررسی این ماجرا اما برخی محیط‌زیستی‌ها کم‌کاری‌ها، مشکلات و نقص قوانین را در امنیت شغلی محیط‌بانی و جنگلبانی مؤثر می‌دانند و بعضی از محیط‌زیستی‌ها معتقدند امنیت شغلی جنگلبانان و محیط‌بانان جنبه‌های مختلفی دارد و جرم‌انگاری دقیق مسئله شکار، یکی از جنبه‌های آن است. همچنین از نقدهای جدی اغلب فعالان محیط‌زیستی و خود محیط‌بانان و جنگلبانان، کمبود تجهیزات مناسب و کافی برای انجام رسالت و وظیفه شغل محیط‌بانی و جنگلبانی است.

روز گذشته یک محیط‌بان در پارک ملی و پناهگاه حیات‌وحش موته، در تعقیب و گریز یک شکارچی از ناحیه چشم آسیب شدید دیده است. این محیط‌بان اصفهانی همچنین از ناحیه سینه و بازو نیز آسیب‌دیده است. به گفته مسئولان سازمان حفاظت محیط‌زیست اصفهان، جدی‌ترین آسیب واردشده به این محیط‌بان از ناحیه چشم است. علی عباسی، فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست استان اصفهان به «فرهیختگان» گفت شکارچیان درحال نورکشی از طریق پروژکتور برای شکار یک‌گونه از آهوهای آن منطقه بودند. شکارچیان پس از دیدن محیط‌بانان منطقه فرار می‌کنند. محیط‌بانان نیز پس از فرار شکارچیان، از یگان گشت درخواست کرده‌اند یگان سیار برای شناسایی و توقف خودرو اقدام کند. در تعقیب و گریز، شکارچیان به‌سمت راننده ماشین یگان حفاظت یعنی علی جمشیدیان تیراندازی کرده‌اند و گلوله چهارپاره شکارچیان با اصابت به شیشه ماشین یگان، چشم‌چپ، پیشانی، سینه و صورت و بازوی جمشیدیان را زخمی کرده است.

محمد درویش: فشار به محیط‌زیست با شیب فقر هم‌زمان بالا می‌رود

معمولا در سطح جامعه و میان عموم مردم، اطلاعات کمی از مشاغلی مانند محیط‌بانی و جنگلبانی وجود دارد و کمتر کسی است که بداند از مشاغل پرخطر و سخت محسوب می‌شود. از سختی‌های محیط‌بانی و جنگلبانی، مقابله با شکارچیان و شکل مقابله با آنهاست. محیط‌بانان و جنگلبانان در حین مأموریت و گشت امکان دارد با شکارچیان حیات‌وحش یا قاچاقچیان چوب برخورد کنند، حتی احتمال دارد با شکارچیان یا قاچاقچیان درگیر شوند. در این میان در برخی مواقع اختیارات درگیری و جلوگیری محیط‌بان یا جنگلبانی از شکار یا قاچاق محدود است یا شیوه اختیارات‌شان در این زمینه اشتباه است و قانون مربوطه دربرگیرنده تمام ابعاد حوزه اختیارات‌شان نیست. اصلی‌ترین پرسش‌ها در رابطه با چالش‌های محیط‌بانی و جنگلبانی این است که ریشه ماجرا کجاست و برای حل مشکلات امروز محیط‌بانان و جنگلبانان چه باید کرد؟ چه میزان از مشکلات امروز محیط‌بانان نیاز به فرهنگ‌سازی عمومی دارد و کدام کارها نیازمند اصلاح قوانین است؟

محمد درویش، فعال محیط‌زیست معتقد است حل مشکل محیط‌بانان و جنگلبانی مجموعه علل خاص خود را دارد. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تصریح کرد: «واقعیت این است که هرقدر فقر شدت می‌گیرد، در همه زمینه‌ها و جوامع فشار به محیط‌زیست افزایش پیدا می‌کند. ما نیز دچار فشار اقتصادی وحشتناکی‌ایم که وقتی در جوامع محلی می‌رویم، وضعیت فقر بیداد می‌کند. به همین دلیل قاچاق چوب، شکار بی‌رویه، حفر چاه غیرمجاز، قاچاق حیوانات، قاچاق پرنده‌ها و هر تخلف دیگری که فکرش را می‌کنید، به‌شدت افزایش پیدا می‌کند. همه اینها خسارت به محیط‌زیست است. در مناطق جنوبی کشور، قاچاق سوخت درحال تخریب جنگل‌های مانگرو است؛ چراکه وقتی مأمور مربوطه برای ضبط قاچاقچیان و لنج‌هایشان اقدام می‌کند، آنها گازوئیل را در مناطق مانگرو تخلیه می‌کنند تا قایق و لنج‌شان خالی و بدون‌سوخت به دست پلیس بیفتد، درنتیجه این گازوئیل‌ها به‌شدت اکوسیستم منطقه رویشگاه مانگرو و حرا را نابود می‌کند. چرا دست به این کار می‌زنند؟ زیرا در قانون آمده اگر لنج خالی تصرف شود، جریمه آن کمتر است. اما اگر با محموله قاچاق باشد، جریمه‌اش بیشتر است.»

محیط‌بان برای پاداش مالی به شکارچی اجازه شکار می‌دهد

درویش در این‌باره مثال دیگری را مطرح کرد: «محیط‌بانان ما اگر بتوانند یک متخلف را با حیوان شکارشده بازداشت کنند، جریمه‌ای که به شکارچی و پاداش به محیط‌بان به‌مراتب بیشتر است تا وقتی‌که شکارچی را پیش از شکار تشخیص دهند که قصد دارد وارد منطقه شود و هنوز دست به شکار نزده است. در آنجا محیط‌بان هیچ‌انگیزه‌ای ندارد و هیچ پاداشی هم به او تعلق نمی‌گیرد، درنتیجه محیط‌بانان ما برای اینکه در شرایط اقتصادی سخت درآمد مادی بیشتری پیدا کنند، گاهی اوقات اجازه می‌دهند شکارچی دست به شکار بزند، خون ریخته و تخلف انجام شود تا بتوانند با شکار و مدرک، متخلف را دستگیر کنند. شکارچی نیز وقتی در چنین شرایطی قرار می‌گیرد و دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد؛ معمولا درگیری و حتی کشت و کشتار نیز پیش می‌آید و دست به چنین تخلفاتی می‌زند.»

باید منطق چکمه و نیزه در حفاظت محیط‌زیست اصلاح شود

درویش معتقد است معمولا به تمام ابعاد ماجرا نگاه نمی‌کنیم و تبعات یک ماجرا را درنظر نمی‌گیریم: «محیط‌زیست به‌جای حل مشکلات با منطق چکمه و نیزه باید تعدادی جامعه‌شناس، روانشناس و مردم‌شناس به کار بگیرد و یک اتاق فکر تشکیل دهد که چرا نرخ چنین تخلفاتی رو به افزایش است؟ نمی‌شود تنها از طریق برخورد نظامی، کار حفاظت از حیات‌وحش را پیش‌برد. متأسفانه در منطق فعلی، جوامع محلی و متخلف را دشمن فرضی می‌دانیم. در چند دهه اخیر، هرچند ۳۷۰ محیط‌بان ما کشته شده‌اند، از شکارچیان نیز ۵۰۰ نفر کشته شده‌اند. مگر متخلفان و شکارچیان چه افرادی بوده‌اند؟ آنها از جوامع محلی و هموطن ما بودند و امکان دارد به‌دلیل فقر درگیر چنین ماجرایی شده باشند. تا وقتی منطق برخورد با متخلفان برخورد امنیتی باشد، مشکل حل نخواهد شد. اینکه ما برویم قوانین را مستحکم‌تر کنیم و فرمان تیر را از همان اول به محیط‌بان بدهیم، اصلا مشکل را حل نمی‌کند. این کار تنها کینه را بیشتر می‌کند و ما باید به‌سمت حل واقعی این ماجرا برویم.»

تجربه شکار شکارچیان بدون‌درگیری

این فعال محیط‌زیست معتقد است حل مشکل امنیت شغلی محیط‌بان، مجموعه علل دارد و تنها جنبه حقوقی آن را نمی‌توان درنظر گرفت: «در منطقه خائیز که در مرز استان خوزستان و کهگیلویه‌وبویراحمد است، یک محیط‌بان داریم که در دخمه‌های آن منطقه خود را استتار می‌کند و با دوربین مناسب، متخلفان را شناسایی می‌کند. دادستان بهبهان با این محیط‌بان برای شناسایی متخلفان همکاری می‌کند و درنهایت متخلف بدون‌درگیری شناسایی می‌شود. خود شکارچیان در این منطقه به این ماجرا پی برده‌اند که این محیط‌بان در جایی خود را مستتر کرده و اگر شکار کنند، درنهایت شناسایی می‌شوند. اکنون به‌جای اینکه جلیقه ضدگلوله و ادوات نظامی در اختیار محیط‌بان قرار دهیم باید امکانات سنجش از دور و دوربین‌های دید در شب در اختیارشان قرار دهیم یا برای رصد مناطق حفاظت‌شده از دوربین‌های ماهواره‌ای استفاده کنیم. آن‌وقت است که هزینه‌ها به‌شدت کم می‌شود.»

مهدی تیموری، محیط‌بان: جرم‌انگاری در حفاظت از حیات وحش ضعیف است

مهدی تیموری، محیط‌بان و رئیس سابق پارک ملی گلستان نیز معتقد است که حفظ دارایی سرزمین‌مان قطعا خطرات خود را دارد و مهم‌ترین راه‌حل انجام این کار فرهنگ‌سازی ریشه‌ای در میان جوامع محلی است. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره امنیت شغلی محیط‌بانان و جنگل‌بانان می‌گوید: «محیط‌بانان برای حفظ تنوع زیستی کشور، جان خودشان را به خطر می‌اندازند و محیط‌بانی را وظیفه شرعی، قانونی و ملی خود می‌دانند. برای انجام این وظیفه اما باید همه دستگاه‌ها کمک کنند و نباید حضور دستگاه‌های مختلف به هنگام وقوع یک اتفاق، سمبلیک باشد. بسیار مهم است، حمایت‌ها دائمی و همیشگی باشد. یعنی محیط‌بانی که جانباز می‌شود یا مشکلاتی را تجربه می‌کند، مهم است که خود و خانواده‌اش تحت حمایت قرار بگیرند. بعد دیگر نیز قوانین کشور است که البته تا حدودی این قوانین اصلاح شده ولی باز هم معتقدم که درخصوص شغل محیط‌بانی، اجرای قوانین می‌تواند بهتر باشد. دستگاه قضا قطعا حمایت خود را دارد اما به نظرم این حمایت‌ها باید بیشتر باشد.»

تیموری در این‌باره ادامه می‌دهد: «اگر یک اتفاق برای یک محیط‌بان رخ دهد، گمان من این است که جرم‌انگاری متخلف، ضعیف است. یعنی فردی که اقدام به شکار غیرمجاز می‌کند و به محیط‌بان هم آسیب رسانده، این اقدامات در قوانین مربوطه اقدامی ساده است. البته من معتقدم که بدترین راه‌حل، جریمه و زندان است اما در گاهی اوقات، جرم‌انگاری، بازدارندگی خاص خود را برای حفاظت از محیط‌زیست دارد و برخی احکام جدی در این‌باره از تکرار تخلف مشابه می‌توانند جلوگیری کنند. اما اصل کار این است که به هرطریقی که می‌شود، هزینه‌های حفاظت پایین بیاید. حفاظت هزینه‌های مالی و جانی خاص خود را دارد. ما می‌توانیم با مشارکت دادن مردم و فرهنگ‌سازی، هزینه حفاظت را پایین بیاوریم.»

جامعه محلی باید از مناطق حفاظت‌شده منفعت داشته باشند

تیموری همچنین می‌گوید: «حفاظت هر منطقه را خاص آن منطقه بدانیم و برای هر منطقه حفاظت‌شده باید یک برنامه مخصوص داشته باشیم. عملا باید هزینه‌های حفاظت را با مشارکت مردم و جوامع محلی پایین بیاوریم. باید بتوانیم جوامع محلی را از حفاظت حیات وحش، منتفع کنیم. یعنی فردی که دست به شکار غیرقانونی دست می‌زند و حاضر است سلامتی و جان یک انسان دیگر را هم به خطر بیندازد، این فرد اگر از جوامع محلی باشد در اغلب مواقع از روی نیاز یا عدم آموزش دست به چنین کاری زده است. این تجربه شدنی است. هدف اصلی ما حفاظت پایدار و رسیدن به جمعیت پایدار حیات وحش و مسیر این دو هدف، مشارکت مردم و جوامع محلی در حفاظت از حیات وحش است.»

مشارکت مردمی تنها یک لفظ نیست

او معتقد است که با وجود اینکه مشارکت مردم در مسئله حفاظت از حیات وحش امری شدنی است اما باز هم امر راحتی نیست: «نباید اینگونه باشد که فقط از لفظ مشارکت مردمی استفاده کنیم و در گوشه‌ای بنشینیم و کار به خودی خود پیش برود، بلکه باید با تحقیق روی جوامع محلی، کار انجام شود. همچنین نتیجه و تجربه این اقدام نیز برای مردم باید ملموس باشد. راهکار تحقیق اصولی و صحیح این مشارکت نیز جدی گرفتن موضوع توسط سازمان محیط‌زیست و تصحیح قوانین مربوطه از سوی مجلس شورای اسلامی است. گاهی اوقات کج‌فهمی یا بدفهمی از قوانین صورت می‌گیرد. گاهی هم تنها هدف اصلی حفاظت است و این نگاه، از فعالیت کارشناسی در این زمینه جلوگیری می‌کند. ما در بازه زمانی سال ۹۷ تا ۱۴۰۲، آمار قوچ‌میش اوریال به‌عنوان یکی از گونه‌های شاخص را در پارک ملی گلستان از ۳ هزارتا به ۱۲ هزارتا رساندیم و این عدد بالاترین آمار ثبت‌شده برای این گونه بود. قصدم این است که بگویم به جمعیت پایدار حیات وحش برسیم و همزمان هزینه حفاظت را نیز کم کنیم.»

استفاده از ظرفیت خیرین برای حفاظت از محیط‌زیست

این محیط‌بان همچنین به نذر طبیعت نیز اشاره می‌کند: «بسیاری از معتمدان و مردم نذر طبیعت دارند و دوست دارند تا در حفاظت از محیط‌زیست و حیات وحش کشور نیز مشارکت داشته باشند؛ چراکه باورشان این است که حفاظت از محیط‌زیست، مانند حفاظت از خاک وطن توسط یک سرباز است. این افراد حاضرند به حفاظت، محیط‌بان و حیات وحش و حتی به جوامع محلی کمک کنند. ورود ظرفیت مالی و معنوی این افراد در ماجرای حفاظت از حیات وحش بسیار تأثیرگذار است. مثلا ما در منطقه پارک ملی گلستان به کمک یک خیر برای دورافتاده‌ترین منطقه در پارک ملی، یک مدرسه احداث کردیم. جامعه محلی وقتی مشاهده کرد که محیط‌بانان پارک ملی برای احداث آن مدرسه مشارکت داشتند، دیگر روبه‌روی محیط‌بان ما قرار نگرفت و محیط‌بان را حافظ منافع خود می‌دانست. اگر ما بتوانیم از طریق خدمات عمومی به جوامع محلی نفوذ کنیم، قطعا هزینه محیط‌بان ما به‌شدت پایین می‌آید و علاوه‌بر اینکه آن خدمات را برکت محیط‌زیست می‌بینند، همچنین در حفاظت حیات وحش مشارکت خواهند کرد و اهداف سازمان را جلو خواهند برد.»